

کاپی‌ها مفهومی داشته اند...  
نوعی همبسته با الفبا در قرون نخستین...  
نمونه قهوه موکل کوه (پوبل سر) است...  
لهذا نیز در بعضی کتب...  
شماره پنجاه و هفتم...  
در این نوع کاپیها...  
در این نوع کاپیها...  
در این نوع کاپیها...

### صورتگران و خوشنویسان هرات

فصل هفتم در بیان...  
در عصر تیموریان...  
شکایت هر یک از...  
(۲)

چون دوره مغولی که نام و سراسر مملکت از جنس یک خونریزی بود...  
از آن دوره باقی مانده و از همین جهت است که در اطراف چکواسگر نقاشی افغانستان...  
در دوره مغول نمی توان توضیحات و تفصیلات کافی داشت...  
که در آن دوره بیشتر کتاب جامع التواریخ را بنویسند...  
تا به چند گیزی است منقش و مصور می شد...  
و مضامین به منقش نمودن و مصور ساختن کتاب...  
چنین نقاشی در دوره تیموریان...  
و می توان آن را دنباله مکتب مغولی...  
مکتب های نقاشی که در بین دوره بظهور پیوست...  
مهمترین و عمده ترین تمام مکتب های آن دوره...  
مراکز نقاشی و صنعتی شهر سمرقند را قرار داد...  
پای تختی را داشت...  
و صنعتگران را از خراسان (افغانستان) و فارس و ماوراءالنهر...  
در عهد سلطنت پسر او شاه رخ میرزا هرات...  
هم است

هنرمندان و بزرگان فن شد شاه رخ بیش از تعداد شاهان افغانستان به صنعت و علم توجه داشت و هنرمندان بر او نوازش کردند و به همین جهت در عهد او فن نقاشی هر جمله اقتباس از اسلوب های چین و بیگانه را پیموده بد و در نهایت کار در آمد یعنی تمام اسلوب های بیگانه که در نقاشی و صنایع افغانستان داخل شده بود بذریعه هنرمندان و نقاشان ماهر ملی حل و مزج گردیده سبک مستقل که می توان آن را مخصوص افغانستان گفت بوجود آمد در صورت و اشکالیکه در اواخر قرن هشتم هجری کشیده شد مهمترین وسائل تزئینات شبکه های فنی دیده می شود و همین تزئینات لازم در قرن هابعد یعنی در قرن نهم از بزرگترین همیزات فنی نقاشی مکتب هرات گردید. بزرگترین چیزهاییکه از جمله همیزات این مکتب بحساب می روند عبارتند از مناظر زیبا، گلستانها و رنگهای درخشان و زیبا. و یکی از همیزات دیگر مناظر طبیعی کوه و نیه است که بشکل سر سفنج کشیده است علاوه بر آن نقاشان این دوره میان اشخاص و عمارات و سایر مناظر یکدیگر می کشیدند نسبتهای معقول و مقبولی را قابل شدند. (۱)

بهر حال شکنی نیست که عصر طلائی نقاشی افغانستان از زمان تیموریان هرات یعنی از شاه رخ و با سینه و ابراهیم سلطان پسران او و اسکندر بن عمر شیخ شروع میشود زیرا در این دوره است که نقاشی های هرات آنچه را که از فنون و شبکهای فنی نقاشی شرق اقصی یعنی چین اقتباس کرده بود هضم و تحلیل میکنند و دارای ذاتیت و امتیاز مستقل و قوی میشود.

از جمله مسایلی که در ترقی و پیشرفت فن نقاشی و مصوری و کتب نویسی در افغانستان تأثیر مهمی داشت همانا تأسیس کتابخانه و انجمن فنی و صنعتی بود که شاهرخ آنرا در عرات بنام نهاد. و پسر او با سینه کتابخانه در انجمن دیگری در همان وقت تشکیل داد که تقریباً شکل آکادمی یا صنایع با هنرستان هنرهای زیبا را داشت با سینه در بن انجمن سر آمدان فن خوشنویسی تذهیب کاری

نقاشی 'مصوری' صحافی و جلد سازی را جمع نمود و لهذا طبعاً و بخوری خرید  
 صنعت نقاشی و صورت نگری و خوشنویسی از چند مراکز صنعتی دیگر آن وقت مانند  
 تبریز و سمرقند و شیراز به هرات منتقل شد. در این زمان به واسطه این ارتباطات  
 روابطی که افغانستان با خراسان را آن عصر در دوره مغول با چین و ترقی اقصی  
 داشت در دوره تیموریان محکم تر شد زیرا در همان وقت بود که خاندان منگ  
 که از ۷۷۰ هجری تا سال ۱۰۵۲ هجری حکومت کرد در چین بروی کار آمد  
 و روابط دوستی و تجارتی و کلتوری افغانستان و چین ذریعه تبادل سفرها در بین  
 آنها بیشتر از پیش قائم گردید. و یقین است که سفرها و فرستادگان  
 افغانستان با آثار صنعتی و فنی و شاهکارهای صنعتگران چین بشکوه خود باز  
 میآشتند و همچنان فرستادگان و تجار چین صنایع و آثار فنی و شاهکارهای صنعتی  
 افغانستارا بصورت از میان با خود بچین میبردند.  
 طوریکه بیشتر اشاره نمودیم درین دوره در فارس و ماوراءالنهر نیز بواسطه  
 بعضی شهزادگان هنر دوست تیموری که حاکم و نائب الحکومه پایتخت هرات  
 در آن ممالک بودند بعضی مکاتب صنعتی دایر شده بود اما هیچ یک به پایه مکتب  
 صنعتی هرات نرسیده نتوانست و هرات تا اخیر این نهضت مرکزیت خود را از  
 دست نداد و لهذا بیشتر نقاشیهائی که در دوره تیموریان مخصوصاً در قرن نهم بوجود  
 آمدند و ما بدانکه تماماً مشغول بشهر هرات است. و این شهر همیشه  
 امتیاز مکتب هرات مزهون اهتمام بعضی استادان بزرگ است که در تصور  
 و تجدد ذوق و قریحه فنی صنعتی که در نقاشی وقت تامی بسکار برده در رسمها  
 انتهای نازک کاری نمود رنگها و انسجام و تناسب مراعات نمودند. امتیاز که  
 مهمی که در آثار صنعتی مکتب هرات مشاهده میرسد عبارت از استعمال رنگ  
 طلائی و پوشانیدن زمینههای تصاویر با گیاهان و گل های متنوع است. (۱)

۱ - صفحه ۱۰۴ ترجمه کتاب تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام. مولف زکی محمد حسن مصری  
 ترجمه محمد علی خلیل طبع طهران ۱۳۲۰ ه. ق. در عهد پهلوی

موزه های ممالک بزرگ که دنیا است که ذکر ما نظر آن در اینجا چند آن لزومی ندارد و این مختصر را به دفتر بزرگ خواهد کشانید. خلاصه اینکه نقاشی افغانستان در دوره تیموریان آخرین کدامهلی ترقی و کمال را برداشته است. و با سقوط سلاله هنر دوست تیموری در اوایل قرن دهم هجری و غارتگری های از بکن ما و راء النهر و خونریزی های صفویان فارس چراغ این صنعت زیبا یعنی کتب نویسی و مصوری و نقاشی کتب امانتند سایر صنایع و فنون افغانستان خاموش شد. و اما این را هم نباید اخیراً خاطر نشان کنیم که اگر چه هرات افغانستان مرگ بریت خود را از دست داد و شعل خروزان صنعت در او خاموش گردید مگر با آهم جای بسا خودر سند است که در اثر فرزندان لایق و فرزانه او مانند استاد بهزاد هروی این صنعت یکملى از بین نرفت و مدتهای مدیدی در فارس و ماوراءالنهر و حتی بعد از هند مکاتب صنعتی د ایراست که تا این در تاریخ صنایع آن ممالک بنام مکتب هرات ثبت خواهد ماند.

### نقاشان ، صورتنگران ، تذهیب کاران

ب

#### بابا حاجی :

از صوران قرن نهم هرات است. به دربار سلطان حسین باقر می زیست. در تاریخ رشیدی تذکار یافته که باباجی از زمره نقاشان و صوران است و در تصویر قلم پخته دارد و در تمام خراسان در طراحی نقش بی همتا است (۱). متأسفانه در ترجمه حال او ازین بیشتر چیزی بدست نیست.

#### بهزاد :

بهزاد از جمله صنعتکاران خوش بخت است که در زمان حیات شهرت فوق العاده حاصل نموده اند. شارالیه هنوز در قید حیات بود که صنعت و آفرینش مورد تقدیر همگان واقع گردید و دیگر حاجت انتظار به این همانند که اولاد آیمده به خوبی و بدی گزارش های و نظریات خود را اظهار نمایند. زیرا اثر بجهت او را در مصوری تمام معاصرین تقدیر و تمجید نمود و موقوفاتهای مبالغه آهیز آنها آفتد باعث شهرت او

گشتند که همه آن کسین پادشاهی تیرش آکامه و بوی قطیر فن و صنوبری میدادند و آنرا هنر مندی او از زمانی که در ادبیات شرقی به او این نام و رتبه است و هم بیشتر در ادبیات شرقی و در مقامین از عمال صوابین او هم به عشرت بیخ نمودند که از آنجا که یکجا آمدند و از هم میسازند و باشد نیز در خدمت و عمر و بنف اخلاقی اصالت و قهیران استوار او را نه نمودند و آنکه در این زمان در این صوفیه دیگر و غیره از اهالی شهر کهرات بوده و گویند که ایشان هم در آن وقت داشته است و کار بیخ نمودند و او را از زندان بی او مجهول است بعضی ها میگویند صاحب کتاب است که آمد آن هنر را بنا آسکه در خصوص او اول زندگانی و پرورش و کشتی در گذار او در تردد است و از بیخ تراش را با جمله "قرار معلوم" در سنه ۱۲۸۰ خورشیدی در محمد عبدالله چغتایی مؤلف رساله "کمال الدین بهزاد" در سنه ۱۲۸۰ خورشیدی قرار میدهند اما بطور تحقیق آنچه این دو مقتنع در باره توالت این استاد شهریه آورده اند غری از سخت و بدون ما نپذیرد باشد شهرت بهزاد از آن جوانی که آغاز رشد و فعالیت بی بوده شروع شده چنانچه مولانا هانفی که از باران و معاصرین اوست در سنه ۱۲۷۰ فوت کرد در تهران ماه (تیمور نامه) خود در ضمن داستانی او را چنین آورده است:

نگارنده نقاش بهزاد دست بر سر بر سخن را چنین نقش بست

اولین ناز بخیکه در آن از بهزاد فکری رفته و صاحب آن با خود هم عصر بود حبیب السیر مؤلفه خواند میر است کینه از ایرودش یافته امیر نظام الدین علی شیر نو آبی دانسته و به الفت بی پایان سلطان حسین مرزبانست بوی اشاره نموده است تا جاییکه ثابت است ایام فعالیت و جدیت استاد بهزاد روزگار جوانی او بوده که در بهمه رفته بهرات باستانی و زباسبوری شده است در اینجا است

که يك هنرستان و با به اصطلاح از ریائیان يك اكارمی صنایع زیبار و نقاشی تأسیس یافت و بهزاد در رأس آن قرار گرفت فعالیت و حسین کبار بهزاد در این امر دو علت داشت یکی جوانی و قوت کبار و دیگری شدت تشویق و ترغیب حمایت که بنده کسان مانند سلطان حسین با نقرا و امیر علی شیر نو آبی و غیره در وجه چنان در رفقت و دلداری بعضی از جوانان و سلطان بهرامی بآن عضو ما اینک سلطان

علی خوش نویس و مولانا جامی و غیره نیز در این مورد بی تأثیر نیستند

ن اچوقن نظریاتی و دولتی نعمت بهزاد یعنی سلطان حسین بن ابی بکر را بتجدید هرات  
و تکرار و ترمیمی کردید و بعد از آن ایامی که مرآت ابوالسلطان شد و در هراتی که با کون و عمت و اولی  
که به بهر جزئی بکانت پیوسته این اوقات بدین ازمه این رو غیره نیز بود که در هرات بود و در هراتی که در  
آخر آن در سلطان ابی بکر بود که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در  
شعبانی یکی از اولیای هراتی که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در  
ترقیات دفاع المین و قشون و مهاجران را گرفته بر ای مقابله با امرا افتاد ادب بین و زیاده  
عالم فانی و اولی و داعل کسفت طوان به یکدیگر بیشتر که قسیم هراتی و اولی و داعل کسفت  
داده و درین شهر بیکه در عصر وی جمال و شکوه مخصوصی داشت و در هراتی که در  
پس از آن سلطان حسین بن ابی بکر که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در  
عبدالله بن ابی بکر که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در  
که طبعاً بهزاد نیز در جمله آنها واقع بود جزو عثمانی محمد خان قرار گرفتند  
و این با آنکه این مرد متهاجم شخص خشن و بی رحمی بود و از علم و کمال بهره  
نداشت و متوجه فن بهزاد که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در  
و در هراتی که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در  
سلطان علی را بر گزیدند و این امر را در هراتی که در هراتی که در  
از دست ابا عبدالمطلب صفوی شکست فاجعه خوانده و قبلی را سید بن ابی بکر  
در هراتی که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در  
بهزاد که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در  
مصرف کرده است تا آنکه این شاه صفوی او را به معیت یکصد تنه گران دیگر  
و بعد از آن که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در  
هرات با خود به تبریز برده و منگب میانوری و صنایع زیبای هرات در آنجا سر  
شاه صفوی را در هراتی که در هراتی که در هراتی که در هراتی که در  
از نو افتتاح کردید شاه اسماعیل بهزاد و صنعت او را فوق العاده دوست و محترم  
میداشت چنانچه مستقر کردی و سلطان علی را که در هراتی که در هراتی که در  
(۱)

در باز هرات بود و در همین سنه شاه اسماعیل بهزاد و دیگران را از نقاشان را با خود به تیریز برد. میگویند شاه اسماعیل بهزاد را آبقدر درست میداشت که او را بانصف مملکت خود معاوضه نمی نمود. این نقاش معروف که زمان پیری و ناسال ۹۲۸ بکار خود در تیریز ادامه داده و در بسات کتبخانه سلطنتی را که در حقیقت فرهنگستان هنر یعنی نقاشی خوشنویسی و صحافی بود که تا آنجا که میماند بسیار زیبا و جالب توجهی که منظره جنگ که شقوان را نشان میدهد و تصرف دولت ایران میباشد که میگویند بهزاد در سن ۷۰ سالگی آنرا ساخته است (۱)

صاحب «سر آمدان هنر» علاقه شاه اسماعیل را نسبت به بهزاد از بین هم بیشتر نقل کرده میگوید: «در سال ۱۵۱۰ شاه اسماعیل در یکی از جنگها مغلوب میشود و بعد از مغلوبیت اول کسیکه شاه اسماعیل با اضطراب و نگرانی تمام از حیات و ممات او پرسش میکند بهزاد بوده است» (۲)

بهزاد از مقامات عالیه رسمی که در زمان اسماعیل اشغال کرده بود یکی در بسات کتبخانه شاهی است. رنه گروسه دانشمند معروف فرانسه در کتاب مدنیتهای شرق خود در باب مکتب بهزاد در عصر صفویان چنین میگوید: «در عصر صفویان نقاشی نیز نهضت زیادی داشته و یک مکتب عالی در آن دایر بود. باید خاطر نشان کرد که این مکتب مستقیماً به نگارستان هرات در عصر تیموریان ربط دارد. آخرین و بزرگترین استاد مکتب هرات یعنی بهزاد بعد از سقوط تیموریان به شاه اسماعیل صفوی پیوسته با او به تیریز آمد. این استاد سال خود را در سرمایه صنعت باستانی خراسان و ماوراءالنهر را با خود آورده از آنجا به صنعتگر این حکومت صفوی بودیعت گذاشت. بهزاد در نگارستان خود به تیریز یکده شاگردان و حتی استادان را گرد آورده تشکیل انجمن داد و آنها را زیر تعلیم و تربیه خود بسکرفت. شیخ زاده خراسانی، میر مصور سلطانی، آقامیرک

(۱) صفحه ۱۹۴ ترجمه فارسی تاریخ صنایع ایران مؤلفه دکتر ج کریستی ویلسن انگلیس.

(۲) یاورقی نمره ۴ صفحه ۶ کتاب سر آمدان هنر مؤلفه دکتر ج کریستی ویلسن انگلیس.

(جلال الدین) و مظفر علی از جمله شاگردان و پیروان او بودند. مظفر علی (۱)

بعدها وظیفه دارد منقش کاری قصر چهل ستون کردید. بهزاد پس از فوت اسماعیل (۹۳۰ هجری) نیز جلال و موقعیت خود را از دست نداده در دربار طهماسب صفوی بهمان اقتدار و احترام سابق خود باقی ماند و شاه مذکور را درس نقاشی و مصوری میداد و بیش از پیش بر جاه و رفعتش افزوده می شد. و در کتابخانه سلطنتی طهماسب مشغول مصور نمودن کتب قلمی و دوایین شعرا می بود. (۲)

خلاصه استاد بهزاد تمام عمر خود را که قسمتی از آن دور از وطن و غربت گذشته، بایک عالم افتخار و جدیت سپری نموده و در عصری میزیسته است که در آن نوابغ صنایع ظریفه از قبیل نویسندگان، شعرا، خطاطان، موسیقی نوآزان، معماران و مصوران به کثرت وجود داشت. این استاد بزرگ با عده زیادی از این هنرمندان مانند شاعر و عارف بزرگ قرن نهم حضرت مولانا جامی و هاشمی و سلطانی و سلطان محمد و غیره، روح همکاری و مودت داشت.

قرار ماخذ موثوق چون رساله کمال الدین بهزاد، مؤلفه عبدالله چغتایی حالات هنروران، و تذکره خوشنویسان و نقاشان، مؤلفه قاضی احمد قییمی همعصر شاه عباس اول بهزادها کرد سید روح الله هراتی مشهور به سید میونگ یا خواجه میراک است که خود نیز بسکمی از سربز آورده گمان معروف صنعت مینا نوری هرات می باشد.

(۱) مظفر علی یکی از نقاشان و مصوران معروف هرات و خوادهرزاده بهزاد است که در جای خودش از او مفصلاً سخن خواهیم زد.

(۲) صفحه ۲۹ رساله و حالات هنروران، مؤلفه دوست محمد که خود نیز یکی از مصوران و خطاطان مکتب بهزاد بوده و بسبت کتاب داری بهرام میرزا پسر اسماعیل صفوی تقرر داشت. دوست این رساله در یکی از موقوفات شهزاده مذکور بطور دیباچه درج شده ۹۵۳ (نوشته و بعد ۱۹۳۶) ع عبدالله چغتایی آنرا در هند طبع کرده است.



(۱) بهزاد بعد از بزرگ عمر نطول و نبوغ و خلیفان آذربایجان و جندی که از او بود (تاریخ طبرستان) از افتخارات بود در سنه ۹۴۲ بدایا پائی استغناء زده بدو و در زندگانی گفت: *بگو* تا آنکه در سنه ۹۴۲ (۳۳۰ هجری) زاده اموات مغان است و آنها پوری چنانچه در قطعه ذیل که به توسط امیر دوست هاشمی هم عصر طهماسب و خود بهزاد سروده شده کلمه خاک بهزاد این مدعا را ثابت میکنند: *بگو* چون صورت عمرش بپر داخت *بگو* قضا خاک و جوانی زای بود از مشکلی *بگو* ز من صورتی گری ناریخ برسد *بگو* بدو گفتم جواب از جان ناشاد *بگو* اگر خواهی که ناریخش بدانی *بگو* نظر افکن بخاک قبر بهزاد *بگو* در قرار بعضی ماخذ آن که جدید آ کشف شده در نظر ما رسیده قبر بهزاد در هر آن است چنانچه در زیر عنبران بهزاد در ماخذ مختلفه و آنرا عیناً نقل خواهیم کرد. بهزاد همچنانکه در آغاز کار جوانی در هر آن شهرت یافت در فارس هم پس از آن کمی اقامت به نزدی تمام معروف کرد بدو و آنرا اوراد فرس و هند با کمال شوق و اعتناء خریداری نمودند و آنرا این استخوانها را که در کفن فرس و هند اهل صنعت و ذوق واقع شده و نایب مطالب و خرد بسیار آنند آمدند و بعد از آن هم چون آنکه در بازار بود که سایر صورتها که آن در نقاشان مانی آثار بهزاد تقلید کرده اند آنها نقل برداشتند و به زیر آن بهزاد امضا کردند. چنانچه از همین نقطه نظر در مورد

در شناختن آثار حقیقی بهزاد مشکلات زیادی در پیش است و هیچ کس نمیتواند در باره آن حکم قطع نماید. *بگو* در باره آنکه در سنه ۹۴۲ (۳۳۰ هجری) زاده اموات مغان است و آنها پوری چنانچه در قطعه ذیل که به توسط امیر دوست هاشمی هم عصر طهماسب و خود بهزاد سروده شده کلمه خاک بهزاد این مدعا را ثابت میکنند: *بگو* چون صورت عمرش بپر داخت *بگو* قضا خاک و جوانی زای بود از مشکلی *بگو* ز من صورتی گری ناریخ برسد *بگو* بدو گفتم جواب از جان ناشاد *بگو* اگر خواهی که ناریخش بدانی *بگو* نظر افکن بخاک قبر بهزاد *بگو* در قرار بعضی ماخذ آن که جدید آ کشف شده در نظر ما رسیده قبر بهزاد در هر آن است چنانچه در زیر عنبران بهزاد در ماخذ مختلفه و آنرا عیناً نقل خواهیم کرد. بهزاد همچنانکه در آغاز کار جوانی در هر آن شهرت یافت در فارس هم پس از آن کمی اقامت به نزدی تمام معروف کرد بدو و آنرا اوراد فرس و هند با کمال شوق و اعتناء خریداری نمودند و آنرا این استخوانها را که در کفن فرس و هند اهل صنعت و ذوق واقع شده و نایب مطالب و خرد بسیار آنند آمدند و بعد از آن هم چون آنکه در بازار بود که سایر صورتها که آن در نقاشان مانی آثار بهزاد تقلید کرده اند آنها نقل برداشتند و به زیر آن بهزاد امضا کردند. چنانچه از همین نقطه نظر در مورد